

طعم تلخ

مطلبی‌ها

پازهر

کشنده

شایعات؟!!

← محمد رضا مودودی

همه چیز ازیک زمزمه آغاز می شود...

ابتدا هیچکس آن را جدی نمی گیرد و به راحتی از کنار آن می گذرد، اما لخبندی که ناخود آگاه گوشه لب را کج کرده، مدت طولانی‌تر در ذهن انعکاس می‌یابد. انگار این واژه‌ها در جایی‌دیگر، روح گرفته و در حال پروازند، در جایی شبیه به جیمجه وقتی که واژه‌ها پر در آورده و خود را به دیوارهای استخوانی‌اش می‌کوبند. در این وضعیت، سینه از فشار هیجان شروع به تپیدن می‌کند و خفقتانی مبهم و ناشناخته، گلو را می‌فشارد. احساسی شبیه اضطراب نه از آن نوعی که به اندوه می‌ماند، بلکه برعکس -اضطرابی شیرین - آدمی‌را سراسیمه می‌کند. با ید این واژه ها را بیرون ریخت. ریخت. باید خود را از شروزر دیوانه کشنده‌شان نجات داد، و هیجان تا لحظه‌ای که لب‌ها کنار گوشی دیگر - گوشی که قبلا این واژه‌ها را شنیده‌باشد- آهسته زمزمه نکنند، از درون تخلیه نمی‌شود.

در این مبادله نامرئی گویی‌با هرصوتی واژه‌ها را از جیمجه خارج کرده و به جیمجه‌ای دیگر فرو می‌ریزند و با همان شدت، هیجان و اضطراب را بر احساس‌های دیگری تحمیل می‌کنند و خود به آرامش می‌رسند. این فرآیند «شایعه‌پراکنی» است، چرا که بین خبری که ابتدایه گوش رسیده و آنچه بعدها لب‌ها آن را نجوای می‌کنند، فاصله‌ای است که شاید با مصالحی که از جنس حقیقت نباشد، پرشده باشد و شاید دروغ هم نباشد، اما بی‌تردید آغشته به احساس‌ها و تصورات شخصی و روانی‌است احساسی‌که هیچکس نمی‌تواند صداقتش را اثبات کند و کسی هم درپی اثبات آن نیست. در واقع این جذابیت خبر است که به آن شور پرواز و مهاجرت در افهان را می‌دهد و همین شور و هیجان است که ممکن است به آن انحراف داده، از مسیر اصلی نقل قول خارج‌ش سازد. اما شایعه،طبیعت دیگری‌هم دارد. آن لحظه که هسته اصلی شایعه در سرازیری جامعه شروع به غلیدن می‌کند، فقط یک خبر کوتاه، تکان دهنده و ناقص است. اما همچون بهمنی که لحظه به لحظه بزرگتر می‌شود، احساس‌های دیگران را که با واژه‌ها ادا می‌شوند به خود می‌گیرد و حجم و وزن می‌یابد. مردم با اشاعه پنهانی و غیررسمی آن، عقیده‌ها، دردها، ناامی‌ها و عصبیت خود را به آن می‌آلیند و از آن هیبتی عظیم می‌سازند که در آستانه ایجاد یک فاجعه یا بحران است. از آن پس ، تحلیل‌ها به کمک خبرساز می‌آید و به آن وسعت و کاربرد می‌بخشد و به این ترتیب به آن اعتباری غیررسمی نیز عطا می‌کند که حتی ممکن است برای خود تولید کننده خبر نیز

آنجایی که رسانه‌های وابسته

به حکومت استبدادی. آزادی‌بیان را

سرکوب می‌کنند و مطبوعات مستقل از

سیستم حکومتی نیز وجود ندارند تا

اخبار را ازمجرای صحیح وقانونی

آن منتشر کنند ، شایعات به صورت

گفته‌های در گوشی و مخفیانه ظهور می‌کنند

جذاب باشد و حتی تحت تاثیر آن قرار گیرد. این نکته از آن رو حائز اهمیت است که نشان می‌دهد، شایعه ، در طول عمر دنیامیکی‌اش، مدام درحالت تغییر به سر می‌برد و ممکن است حواشی افزوده به آن ، چنان جذاب‌تر از خود باشد که به تدریج هسته مرکزی خبر فراموش شده و مسائل حاشیه‌ای آن گسترش یابد. در این وضعیت، هسته مرکزی خبر، فقط محملی است برای انتشار عقایدی که به تدریج به این هسته می‌چسبند و به آن ابعادی جدید می‌بخشند. ابیادی که برگرفته از احساس جمعی نسبت به یک مساله مشترک است . هرچه موضوعی بزرگتر و اجتماعی‌تر باشد، وسعت انتشار آن نیز زیادت‌ر و طول عمرش ، بیشتر خواهد بود. این فرهنگ شفاهی را شایعه پراکنی می‌گویند. فرهنگی که همواره در برابر مطبوعات وابسته و اخبار سانسور شده رواج می‌یابد و مخاطب جلب می‌کند.

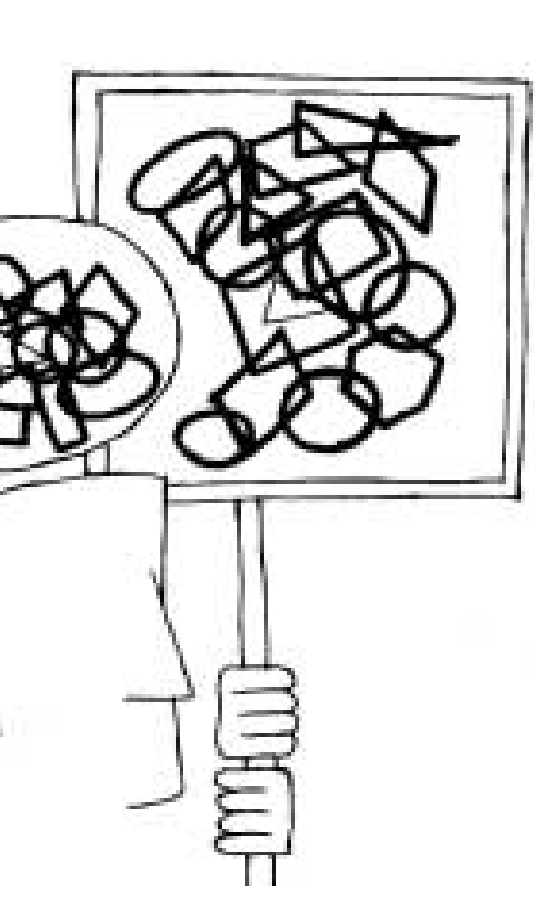
و در ابتدا کلمه بود...

«فلان وزیر از کابینه استعفا داد...» «فرزند فلان شخصیت به خاطر فساد مالی

گریخت ...» «خريد خدمت سربازی آزاد شد...» «منهم قتل‌های زنجیره‌ای در خارج از کشور است ...» این جملات که در مقاطع مختلف زمانی، ناگهان تیر اول اذهان و رسانه‌ها می‌شود، بیش از آن که ، بیانگر فرهنگ شایعه‌پراکنی در جامعه باشد، معرف ذهنیت‌هایی است که راه عرضه به صورت مستقیم پیدا نکرده است. . به عبارت دیگر از نوع ، میزان و اندازه شایعات می‌توان به جامعه‌شناسی علایق و انتظارات عمومی و وضعیت آزادی مطبوعات و بیان پی‌برد و در عین حال سقف تمایل و جهت گیری آن را نیز در نرد افکار عمومی شناخت. دامنگیرترین شایعات در بین مردم ، آن چیزی است که بیشترین مشغولیت فکری را برای آنان فراهم ساخته و به عنوان مثال فقر و بیکاری که عامل بسیاری از بزهکاری‌ها است، باعث می‌شود افشای فساد اقتصادی یک آقازاده با سرعت بیشتری نسبت به سایر موارد در جامعه انعکاس یابد و مانور بیشتری بر روی آن صورت پذیرد. از سوی دیگر، گاهی شایعه کارکردی معکوس را به خود می‌گیرد و به عنوان مثال به آن علت بحث خرید سربازی هراز چندی در بین مردم باب می‌شود تا بالاخره مسوولان را مجبور کند تا به خواسته‌ای که از سوی یک طیف خاص عنوان گردیده، تن در دهند . این شایعات که در مقاطع مختلف مفاهیم و موضوعات خاصی را ترویج می‌کنند، ناشی از انگیزه‌های روانی، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی است که با کوچکترین انحراف به اصل خبر ، موجب تولید شایعه می‌شوند، اما رابطه خبر با شایعه، فقط در تحریف و دور شدن آن از حقیقت است. به عبارت دیگر ، اگر انحرافی در نقل قول خبر نباشد ، شایعه‌ای نیز وجود نخواهد داشت. .
همچنان که دکتر محمد نصر اصفهانی، استاد علوم ارتباطات در این رابطه می‌گوید : «شایعه ، گزارشی شفاهی است که توسط شواهد دقیق تأیید نشده و سندی رسمی نیز آن را تأیید نمی‌کند. منبع اصلی افشای آن غالباً غایب و نامعلوم است و همواره با عبارتی نظیر : «شنیده‌ام که ...» یا «می‌گویند که ...» آغاز می‌شود. جمله مربوط به جذاب‌ب ترین سوژه‌های روز است و خود به خود برای شنوندگان نیز جذابیت و گرایش می‌آفریند و هرچه به اعداد و ارقامی که لزوماً نیز صحیح نمی‌باشند آغشته تر باشد، از اعتماد و جلب نظر بیشتری برخوردار می‌گردد و هرچه متن خبر به تمایلات درونی و پنهان مردم نزدیکتر باشد، انعکاس آن وسیع‌تر خواهد بود. به عبارت ساده‌تر ، شایعه به معنی دعوت برای باور کردن موضوعی است که شواهد متقن آن را همراهی نمی‌کند».

دکتر داریوش حیدری بیگوند، جامعه شناس و استاد دانشگاه فردوسی مشهد نیز شایعه را خبری می‌داند که از طریق کانال‌های غیررسمی شیوع یافته است. خبری که هسته مرکزی‌اش مبتنی بر واقعیت و پوسته‌اش براساس انحرافات کلامی ساخته شده است. وی معتقد است : «شایعه، خواست و مکنونات قلبی شخص یا گروهی است که می‌خواهد درواقع به آن جامه عمل ویا واقعی ببوشاند . به همین دلیل آن مکنونات را به اهداف خاصی از طرق مختلف که بیشتر ارتباطات میان فردی است پخش می‌کند و سرعت انتشار آن نیز بسته به نوع علایق و خواست مردم و رویاها و تمنیات و ایده‌آل‌هایشان

شایعه



فرق می‌کند.

ریشه‌هایی که از تاریکی تغذیه می‌کنند...!

شایعه به چه دلایلی شکل می‌گیرد؟ این شاید سوال بسیاری از مردم باشد. «گردن آل پورت» و «لئوپستمن» دو تن از اساتید دانشگاه هاروارد در کتاب «روانشناسی شایعه» می‌گویند: «هر شایعه متضمن این معناست که مقداری از واقعیت در حال انتقال است و علت بروز آن ، غیبت «علاک‌های اطمینان بخش رسیدگی» است. به عبارت دیگر ، زمانی که مردم معیار موثقی برای سنجش و کنترل تصورات ترسناک خود در دست نداشته باشند و به اخبار نیز اعتماد نکنند، دست به دامان شایعه می‌شوند.» دکتر حیدری بیگوند درهمین زمینه می‌گوید : «شایعه در نتیجه انگیزه‌های ارادی و آگاهانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع بروز می‌کند که به نوعی با منافع افراد گره خورده باشد.» وی توضیح می‌دهد: «شایعه تحت تاثیر دو مکانیسم روان پویایی و گروه پویایی، تولید وانتقال و تغییرماهیت می‌دهدکه بسته به نوع فرهنگ و بافت اجتماعی یک جامعه در نوع و نحوه توزیع شایعه تاثیر دارد. وقتی فردی، خبری‌را می‌گیرد تا زمان انتقال آن ، تغییراتی در خبر ایجاد می‌شود که تحت تاثیر فرآیندهای اولیه و ثانویه روانی‌است. این فرآیندهای اولیه تابع تمایلات و گرایشات ناخود آگاهانه مردم است و بعد فرآیند ثانویه آن، عمدا و ارادی است که فرد به دلایل و انگیزه‌های خاص آن را به خبر اضافه می‌کند یکی در ژرفای ناخود آگاه و دیگری در ضمیر آگاه، اما هنگام انتقال، این بخش با بخش گروه پویایی پیوند خورده و بسته به موقعیت فرهنگی، طبقاتی، سنی، جنسی و عوامل متعدد اجتماعی و محیطی، شایعه تغییر و تحول می‌یابد.»

دکتر نصر اصفهانی نیز «عدم اطمینان به اخبار منابع رسمی» را علت بروز شایعه معرفی می‌کند و می‌گوید:«در اکثر موارد رواج شایعه ناشی از علل روان‌شناختی است زمانی‌که حوادث پیچیده و رویدادهای متوالی‌با سرعت زیاد روی می‌دهد مردم دست به‌ساده کردن و اختصار وادغام وجمع بندی واحد این رویداد ها می‌زنند تا به آن معنی ببخشند و آنها را قابل درک کنند.» اما از منظر سیاسی، عباس عبدی کارشناس و صاحب نظر در علوم سیاسی، بروز شایعه را ناشی‌از «ضعف بنگاه‌های رسمی اطلاعات» می‌داند و معتقد است : «آنجایی‌که رسانه‌های وابسته به حکومت، آزادی‌بیان را محدود می‌کنند و مطبوعات مستقل از سیستم حکومتی نیز وجود ندارند تا اخبار را از مجرا صحیح و قانونی آن منتشر کنند، شایعات به صورت گفته‌های در گوشی و مخفیانه ظهور می‌کنند.»

وی دلیل و عامل انتقال شایعات را، نیاز عمومی به «دانستن و اطلاع» می‌داند و می‌گوید: «کمبود اطلاعات صحیح، زمینه را برای بازار سیاه اطلاع رسانی فراهم می‌سازد.» دیدگاهی که تقریباً نزدیک به دیدگاه دکتر حیدری بیگوند است:«هر چند بروز شایعه بیشتر متعلق به لایه‌های وسط جامعه است و افراد آن را ، کسانی تشکیل می‌دهند که بابت انتقال شایعه هزینه‌ای را پرداخت نمی‌کنند، اما دلایل دیگری از جمله ناقص بودن سیستم اطلاع رسانی نیز بستر را برای بروز فراهم می‌سازد.» وی می‌افزاید: «جامعه‌ای که مردم و مسئولین اهل ملاحظه‌اند و برای انعکاس اخبار و اطلاعات باید ملاحظات بسیاری‌را رعایت کنند و بنابراین نمی‌توانند تمام حرف‌ها و اخبار را به صورت دقیق بیان کنند، به طور غیر مستقیم به فرآیند شایعه سازی کمک می‌کنند.»

اما واقعیت این است که شایعه حاصل ضرب دو مولفه مستقل از هم «ابهام» و «اهمیت» است که هر کدام به نوعی ذهن مخاطب را به خود جلب می‌کند و چنانچه هرکدام از این دو مولفه صفر شوند، یعنی اهمیتی برای شنونده نداشته باشند و یا «ابهامی» برای جذب ذهن وجود نداشته باشد، شایعه‌ای خلق نخواهد

شد ، همچنانکه دکتر نصر اصفهانی معتقد است : «در فرهنگ‌هایی که ارتباطات هنوز جنبه دو نفره و شفاهی دارد و رسانه‌های جمعی مورد اعتماد مردم نیستند و یا تعداد آنها آنچنان نیست که مورد استفاده همگانی قرار گیرد، خواه ناخواه شایعه به صورت منبع اصلی اطلاع‌رسانی در می‌آید. از طرف دیگر، اگر مردم این امکان را نداشته باشند که خواسته‌ها، احساسات خود را در رسانه‌های گروهی منتشر و اعلام کنند، به ناگزیر از طریق شایعه پراکنی خواسته‌ها یا ترس‌ها و یا تفسیرهای خود را به اطلاع هم می‌رسانند.» این دیدگاه را می‌توان از آن منظر مورد تحلیل قرار داد که شایعات به وجود آمده ، ریشه کرده و انتشار یافته درحقیقت در پی پرکردن خلایمی هستند که رسانه‌های گروهی قادر به انجام آن نمی‌باشند و بنابراین وقتی سیستم اطلاع رسانی، صداقت لازم برای انعکاس اطلاعات و اخبار حقیقی را ندارد، شایعه این رسالت را برعهده می‌گیرد تا برحسب تمایل عمومی به خلق اخبار پیردازد.

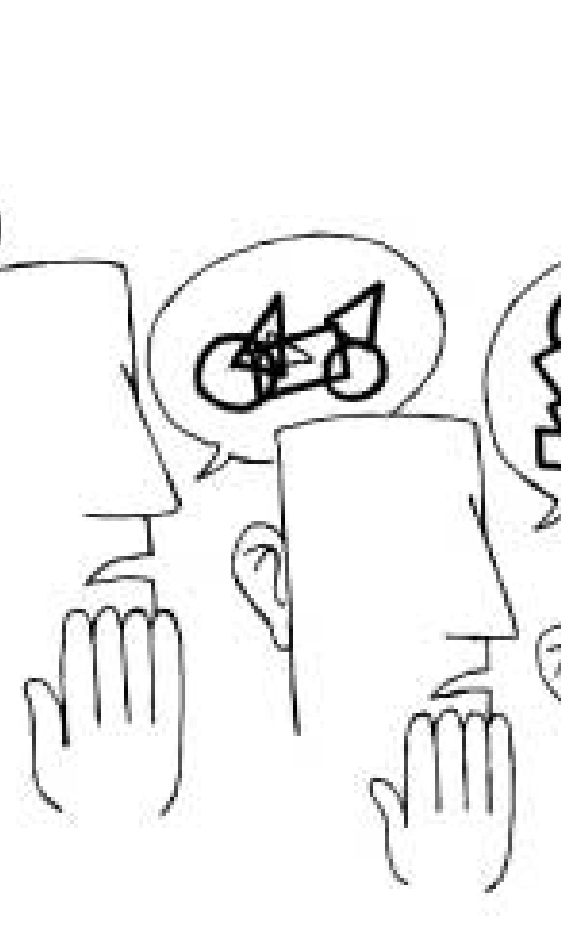
این ضعف تا آنجا پیش می‌رود که حتی مطبوعات و رسانه‌های جمعی‌را نیز در پی خودکشیده و آنها را مجبور می‌کند نسبت به بروز شایعات واکنش نشان دهند. دکتر محمد نصر اصفهانی تأکید می‌کند: «از میزان شایعات به ویژه پیرامون یک موضوع خاص می‌توان به مشروعیت ، اقبال عمومی و نحوه اطلاع‌رسانی در آن زمینه پی‌برد. چنانچه اخبار واقعی‌از دید مردم پنهان شوند، شایعات آن را با محتوای غلیظ‌تر و خطرناکتری عنوان می‌کنند و قطعه هزینه‌های چنین مکالمات زیرزمینی بسیار سنگین تر از بهای حقیقی است که در قالب اطلاع‌رسانی مطرح می‌شود.»

وقتی رسانه‌ها، عقب‌تر از مطالبات و انتظارات مردم حرکت کنند، در حقیقت باید به دنبال شایعات بوند و چون منبع خبر در دست کسی نیست و لذا نمی‌توان علیه کسی اقامه دعوی نمود، بنابراین چاره‌ای نمی‌ماند، جز آن که خود نیز به شایعه تن در دهد.

سکوت ، سانسور ، تکذیب

بنا به تعریف ، شایعه یک پدیده اجتماعی است. بنابراین جوامع تلقین‌پذیر، یعنی جوامعی که باور قضایای نهنی از سند و دلیل منطقی برایشان آسان است، بستر مناسبی برای بروز شایعات هستند.

دکتر حیدری بیگوند در این باره می‌گوید: «جوامعی که روند حرکت اخبار و اطلاعات از راس هرم قدرت به پایین و متعاقباً از پایین به بالا، به صورت کامل و بدون سانسور و یا خود سانسوری و تحریف صورت می‌گیرد، فضای مناسبی برای بروز شایعه نیست. اما جوامعی که در آن آزادی بیان محدود و یا سرکوب می‌شود و گوینده در وحشت تعقیب، از ارائه مستقیم اطلاعات خودداری می‌کند، بستر آماده‌ای برای خلق هر نوع شایعه‌ای به شمار می‌روند.» عباس عبدی نیز در این باره می‌گوید: «در جامعه‌ای که مطبوعات مستقل قادر به پخش اطلاعات مستقیم نیستند، زمینه را برای ایجاد یک بازار قاچاق خبررسانی فراهم می‌کند.»



همچنین در کنار این اظهار نظر می‌توان نظر دکتر اصفهانی را نیز افزود که مولفه‌های این جوامع را چنین معرفی می‌کند: «جوامعی که فرهنگ شفاهی در آن غالب است میزان سواد اجتماعی پایین است، وسایل ارتباط جمعی اندک است، مقوله خبر در آن رشد نیافته است و آگاهی و اطلاعات بخشی از مایحتاج روزمره عمومی نشده است، چنین جامعه‌ای عامل پرورش شایعه است.»

با تمام این اوصاف ، میکروب شایعه دائماً در اندام تمام جوامع فعال است و هر قدر اختلالات و بحران‌های اجتماعی ناشی از جنگ ، رکود اقتصادی و یا اغتشاش‌های سیاسی شدیدتر باشد، شایعات ناشی از آن نیز خشن‌ترند. دکتر نصر اصفهانی در این باره توضیح می‌دهد : «فراقتنی به معنی نسبت دادن خواسته‌ها ، انگیزه‌ها، عواطف و اندیشه ناپذیرفتنی فرد به جهان بیرون و به افراد دیگر است که به صورتی ناخود آگاه انجام می‌گیرد. خیلی از اوقات شایعه، فراقتنی، ترس ، تخاصص یا آرزوی انسان است، تمایل جنسی در خود دارد ، موجب ساختن شایعات رسوایی آمیز درباره دیگران می‌شود. نگرانی و ترس موجب ساختن شایعات تهدیدآمیز می‌گردد. آرزومندی خصصه اصلی شایعات خوش‌بینانه است.» و بنابراین دایره جوامع را براساس غرایز فطری و عطش آگاهی و نیازهای روانی تا تمام اجتماعات انسانی بسط می‌دهد.

معامله یا مقابله ؟!

به راستی بهترین راه برای مقابله با پدیده شایعه چیست؟ سکوت، تکذیب، مقابله به مثل و یا توسل به یک سیستم اطلاع رسانی دقیق؟! مهار شایعه‌ای که همچون سرطان ، بربخش وسیعی از اندام جامعه چنگ انداخته و ریشه کونده است و فضای اجتماعی را با تحریکات خود آلوده کرده است، چگونه میسر خواهد بود؟! آیا باید بنایه توصیه پز شکان ، پیشگیری را بر درمان ارجحیت داد؟! یا تأسیس شورای عالی ارتباطات به عنوان رکن چهارم و مستقل از سه قوه سیاسی چاره کار است؟! آیا باید اطلاع رسانی را آزاد کرد؟

بی‌تردید زمانی که مردم از آگاهی خود بربدترین شرایط و حوادثی که برآن حاکم است مطمئن باشند به ارائه مطالب غیر ضروری که صرفاً برای توضیح دلوایسی‌ها و نگرانی‌های ایشان است تمایلی نخواهند داشت. «آلپورت» و «بستمن» ضمن اعتقاد به این نظریه به بیان مثال‌هایی از وقایع آشوب‌زده جنگ جهانی دوم می‌پردازند که در آن بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت آمریکا ، سیاست مداخله جویانه‌اش و موسسات القبا گره‌اش ، خود سبب بروز شایعات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی شده بود و بعد از اقرار صادقانه مقامات بلندپایه و آگاه کردن مردم از شرایط موجود و حقایق جنگ ، بخش اعظمی از این نگرانی‌ها و در پی آن رواج شایعات رفع شد. عباس عبدی معتقد است: «حکومت نباید کوشش کند که شایعه‌ای وارد و یا تکذیب کند، چون هرکوششی از این محل ، به منزله تأیید شایعه است و بیشتر مورد قبول عامه قرار می‌گیرد.» اما دکتر حیدری بیگوند نظر دیگری دارد: «در این مورد تجربیات میدانی و آزمایشگاهی متعددی صورت گرفته است. برحسب برخی از تجربیات، بهترین راه مقابله کردن با شایعات ، ارائه اطلاعات کامل در باره موضوع شایعه است به نحوی که ابهامی باقی نماند. تجربیات دیگر عقیده دارند که می‌توان با نقل شایعه، دلایل غیرموجه بروز آن نیز ذکر کرد به نحوی‌که شنونده با خواننده متوجه بی‌پایودن شایعه بشود. به هر حال توجه به این که خیلی از اوقات ، شایعات ناشی از زمینه‌های روانشناختی عمیق‌فردی و اجتماعی است تا زمانی که این زمینه‌ها اصلی برطرف نشده باشد به هیچ رو نمی‌توان شایعات را معالجه کرد. برای نمونه اگر عامل بروز شایعات فقر اقتصادی و بیکاری باشد تا زمانی‌که این دو عامل برطرف نشود، دادن اطلاعات و یا غیرموجه نمایاندن شایعات تأثیری در اذهان مردم نخواهد داشت.»

دکتر نصر اصفهانی نیز معتقد است:«راه جلوگیری از بروز شایعه، اطلاع رسانی درست است. جوامعی که در مسیر پیشرفت قرار گرفته‌اند، جوامعی با سیستم اطلاع رسانی درست و دقیق هستند . هر موقع اطلاع یا خبر در سبد روزانه یک خانواده قرار بگیرد ما می‌توانیم امیدوار باشیم این جامعه از لحاظ فرهنگی رشد کرده ، در مقابل تهاجمات ضد فرهنگی شایعه مصون بماند و با تکیه بر اطلاعات، خبر و آگاهی ، اخذ تصمیم و برنامه‌ریزی کند».

دکتر حیدری نیز ضمن اعتقاد به تصحیح سیستم خبر رسانی می‌گوید: «مردم باید بیاموزند در برابر هجوم شایعه ، با روش مطالعه تاریخی مقابله کنند به این صورت که مانند مورخین با تکیه بر اسناد و قرائن، سره را از ناسره تشخیص دهند.»

چهره دوم واقعیت !

به هر تقدیر شایعه‌گویی در درون‌سنج جامعه بافته شده است و ناشی‌از واکنش مردم نسبت به شنیده‌هاست. ماهیت گمراه کننده شایعه ناشی از این واقعیت

شایعه حاصل ضرب دو مولفه مستقل از

هم «ابهام» و «اهمیت» است که هر کدام

به نوعی ذهن مخاطب را به خود جلب

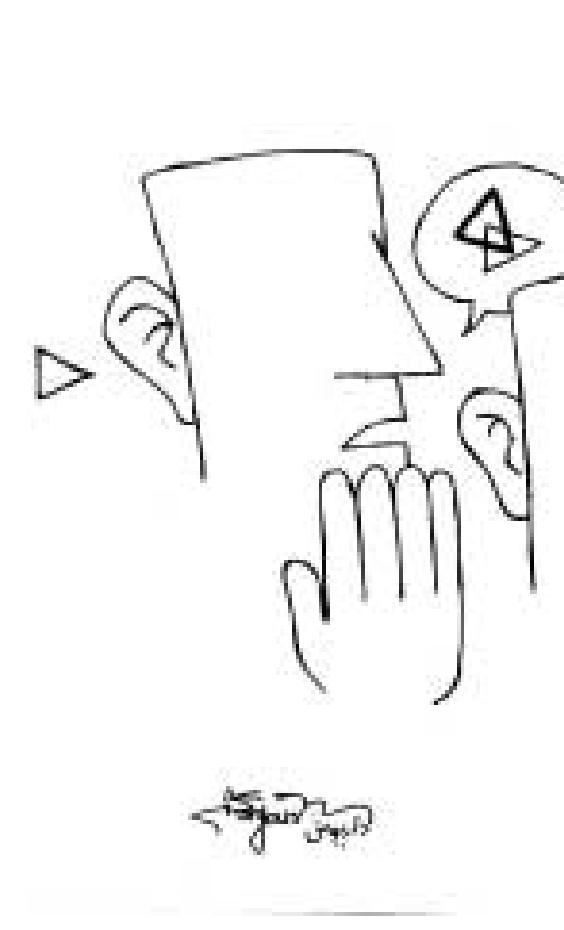
می‌کند و چنانچه هر کدام از این دو مولفه

صفر شوند یعنی اهمیتی برای شنونده نداشته

باشد و یا «ابهامی» برای جذب ذهن وجود

نداشته باشد شایعه‌ای خلق نخواهد شد

است باوجودی که شایعه محکی‌برای سنجش بوده و معیاری‌برای نحوه تحریک است، اما عموماً با نقایبی‌ظاهر می‌شود که گویی آگاهی‌های با ارزشی ارائه می‌دهد. در واقع آنچه در محتوای پنهانی شایعه نهفته است برکار کرد اطلاع‌رسانی‌اش رجحان یافته است و خاصیت اغفال‌کنندگی‌اش در برخی موارد ناشی از ترکیب اشتیاق‌ها و انزجارهای پنهانی در آنهاست. اما می‌توان برای شایعه چهره دومی نیز قابل شد. چهره‌ای که شاید واقعی‌تر از واقعیت باشد. ا بین چهره زمانی‌رخ می‌نمایاندکه عروس حقیقت رخ پوشانده باشد. در این حالت، مردمی‌که تشنه شنیدن واقعیت‌ها و حقایق هستند درصدد یافتن آن‌برمی‌آیند و شاید دراین تقلای عطش بار به بخش‌هایی از آن نیز وقوف یابند، در چنین وضعیتی، به رغم اطلاع رسانی‌های دروغ و اخبار کذبی که در یک سیستم منتشر می‌شود و عدم اعتماد و



اطمینان عمومی به رسانه‌ها، مردم با انتشار شفاهی اطلاعات دریافتی، به مقابله با دستگاه اطلاع رسانی و تبلیغاتی حاکم می‌پردازند. این شیوه در جوامعی که دارای مطبوعات آزاد ، نهادهای مستقل مدنی و دستگاه قضایی منفک از حکومت نیستند، کارکرد قدرتمندی دارد و حتی پشت صحنه بسیاری از روابط، باند بازی‌ها و معاملات سیاسی و اقتصادی نامشروع که در پناه تصاویر و اخبار غیرواقعی پنهان شده‌اند بسیار قوی‌تر از سیستم رسانه‌ای‌در بین مردم افشاء شده و شایع می‌شود. اما حتی در این وضعیت نیز گرچه هسته مرکزی خبر، مبتنی‌بریک حقیقت محض است اما شاخ و برگ‌های رویدد در حواشی این اخبار نیز آکنده از احساس‌ها ، اشتیاق‌ها و انزجارهایی است که در تجربه و تحلیل شفاهی ناخواسته بر خبر تاثیر می‌گذارد و آن را از پوشه حقیقت محض خارج ساخته و در پیله شایعه می‌پیچند. دکتر محمد نصر اصفهانی معتقد است: «گرچه شایعه در جوامع مختلف شدت و ضعف تولید و ترویج دارد و هرچه سطح آزادی مطبوعات و اطلاعات رسانی‌ای بیشتر باشد ، حجم شایعه در آن کاهش می‌یابد، اما در عین حال، شایعه خود بخشی از روانشناسی اجتماعی است که براساس مضامین شایعات می‌توان به واقعیت شرایط پی‌برد و مطالبات ، انتظارات ، مشروعیت و محبوبیت افراد و شخصیت‌ها و نظام را در آن اندازه گیری کرد.»

حکومت‌هایی که فاقد ویژگی دمکراتیک هستند، بیش از جوامع دموکراتیک از تیغ شایعات ضربه می‌خورند و هرچه مشروعیت آنها در جامعه کمتر باشد،

اگر مردم این آزادی و امکان را

نداشته باشند که خواسته‌ها و احساسات

خود را در رسانه‌های گروهی منتشر و

اعلام کنند، به ناگزیر از طریق

شایعه پراکنی خواسته‌ها ، ترس‌ها و یا

تفسیرهای خود را به اطلاع هم می‌رسانند

میزان شایعاتی که علیه آنان منتشر می‌شود، بیشتر خواهد بود و اگر در میان گروه‌های سیاسی ، یکی ازمحبویت و مقبولیت بیشتری برخوردار باشد، دیگری حتی اگر به واقع از خطاهای اولی پرده دری کند و حقایقی را علیه گروه مقبول عامه منتشر کند، باز با مقاومت شایعاتی مواجه می‌شود که علیه او به جریان افتاده‌اند. در این حالت ، کارکرد و روانشناسی شایعه، خود تبدیل به یک مقوله پیچیده و آکادمیک می‌شود که باید با احتیاط و به آن نزدیک و پرداخته شود. شایعه تنها انتشار یک خبر تحریف شده نیست، بلکه فرهنگی شفاهی است که می‌تواند سرنوشت ملتی را بی‌دلیل به چالش کشیده و در سراسشی سقوط قرار دهد. در این حالت ، بهمنی‌که فرومی‌غلند حتی آتانی را که به آن لبخند می‌زنند نیز در زیر خود مدفون خواهد ساخت و به همین دلیل است که جوامع پیشرفته ، مطبوعات مستقل و آزاد را با طعم تلخی که دارند بر شایعات که زهر کشنده شان پنهان است ترجیح می‌دهند.